



## ارزش و اهمیت

### تذکره نصرآبادی

حسین مسرت

تشبیه به آن طبقه‌علیه [یعنی مؤلفان تذکره‌های پیشین] با اینکه خزان تشویش بیش از پیش نهال حال را بی‌برگ و نوا ساخته و دوحه مرادم را صرصر بی‌تمیزی و معامله ناشناسی ابنای دهر از پای انداخته ... به خاطر رسید که مختصری از اشعار معاصرین خود که بعضی صاحب دیوان و جمعی گاهی متوجه ترتیب نظمی شده‌اند، پردازد. و بعضی از اعزّه فرمودند که در این مدّت از معماً و لغز انتخابی نشده، اگر از معماً و تاریخ و لغز متقدّمین و متأخرین انتخابی شده، داخل شود، شاهد تألیف را، حسنی دیگر به هم رسد»<sup>۱</sup>

همو در پایانه نسخه خطی کتابخانه وزیری می‌نویسد:  
«بعد از آنکه این ریزه چین بساط سخن گستری، و در یوزه‌گر بزم سخن پروری، گمنام گوشه نامرادی، محمد طاهر نصرآبادی که از خوشه [خرمینی اندوخته و در بساط خاطر از ابیات گزیده سخن سنجان چراغان افروخته، خواست تا خود را در سلک ارباب معنی داخل سازد، هیچ تحفه شایسته تر و هیچ هدیه بایسته تر از این ندید که مجمعی پردازد، و شاهد معانی که مشاطه خیال عزیزان در جمله خاطر به حلّی و حلال ترصیح و توضیح، مزین و مرصع ساخته در زیور نظم بر مسند ظهور نشانده‌اند، در مرآت طبع شناسنده و آینه ذهن در باینده ارباب طبع سلیم و اصحاب ذهن مستقیم جلوه گر سازد. «جرم جواهر و لآلی حقایق و معارف که از معدن خیال ارباب معنی در خزانة خاطر این بی‌وجود مودع [بود] به دستیاری خامه در این اوراق ثبت نمود.»<sup>۲</sup>

تذکره نصرآبادی از سودمندترین و جامع‌ترین تذکره‌های پارسی است که سرگذشت و نمونه اشعار نزدیک به هزار سخنور پارسی زبان را دربر دارد. نصرآبادی این تذکره را که به نام خودش نامور شده، به نام صفی میرزا معروف به شاه سلیمان صفوی فرزند شاه عباس ثانی، در یک دیباچه، پنج «صف» و پایانه‌ای شامل دو «دفعه» تدوین کرده است.

دیباچه: در ذکر اشعار شاهان و شاهزادگان صفوی است که یا شاعر بوده یا به شاعری منسوب بوده‌اند.

صف نخست: در ذکر رجال سخنور در دوره صفوی است که به سه فرقه تقسیم شده است: مقرّبان و امرای ایران / امرای خوانین هند / وزرا، مستوفیان و نویسندگان دفترخانه همایون.

صف دوم: درباره سادات و بزرگان و محترمان است.  
صف سوم: در بیان سه فرقه: عالمان و فاضلان / خوشنویسان / فقرا و درویشان.

صف چهارم: مهم‌ترین و مفصل‌ترین بخش این تذکره است که در ذکر سخنوران و درباره سه فرقه تنظیم شده: شاعران عراق و خراسان، شاعران فرارود (ماوراءالنهر)، شاعران هندوستان.  
صف پنجم: در ذکر خویشان نصرآبادی و خود اوست.  
خاتمه: در ذکر ماده تاریخ‌ها، لغزها و معماهای پیشینیان و معاصران که به دو دفعه و هر دفعه به سه حرف بخش شده است.

\*

نصرآبادی در سبب تألیف این تذکره گوید:

«غرض از تسوید این اوراق، اینکه ... در تاریخ شهور سنه ۱۰۸۳ دُردنوش بزم نامرادی، محمد طاهر نصرآبادی را به شوق

۱ و ۲. تذکره نصرآبادی، نسخه وزیری، ص ۱۷-۱۸.

### نسخه‌های تذکره نصرآبادی

از نسخه‌های خوب و قابل اعتماد این تذکره، نسخه خطی کتابخانه وزیری است که به رغم اینکه چندین شرح حال و برخی ابیات و عبارات را ندارد، با این حال از همه نسخه‌های شناخته شده، جامع‌تر و کامل‌تر است، بویژه آنکه خود نصرآبادی نسخه را از نظر گذراننده و به اصلاح برخی نادرستی‌های آن مبادرت کرده است.

پس از آن می‌توان به نسخه دانشگاه تهران اشاره کرد که زمانی از آن دانشمند معاصر زنده یاد محمدعلی تربیت تبریزی بود و بعدها در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران جای گرفت. این نسخه به غیر از برخی مزایا از جمله چند شرح حال که افزون بر نسخه وزیری دارد، تراجم کمتری دارد. امتیاز این نسخه در تاریخ افزوده‌ای است که در دیگر نسخه‌ها دیده نمی‌شود.

در درجه سوم می‌توان به نسخه کتابخانه ملی ملک اعتنا کرد که با داشتن برخی امتیازات از جمله چند شرح حال افزون بر نسخه وزیری، بسیاری از شرح حال‌ها را ندارد. دو نسخه اخیر مبنای تصحیح استاد وحید دستگردی در نخستین چاپ تذکره نصرآبادی بوده است.

نسخه بعدی در ایندیا آفیس است که نسبت به بقیه شرح حال کمتری دارد، اما چند سرگذشت و برخی ابیات ویژه و افزون دارد.

### منابع و مأخذ تذکره نصرآبادی

چنانکه گفته شد تذکره نصرآبادی از تذکره‌های عصری و شامل شعرای معاصر مؤلف بوده که خود از آنان بواسطه یا بیواسطه گرفته است. نصرآبادی با اینکه تذکره عصری است، اما در نگارش برخی سرگذشت‌ها از خلاصه‌الشعار و عرفات العاشقین هر دو از تقی‌الدین اوحدی بلیانی بهره برده است، بنگرید ذیل فارغ تبریزی<sup>۴</sup>. غیر از این اشاره استاد گلچین معانی در کاروان هند هیچ سند دیگری از مأخذ نصرآبادی در دست نیست.

این تذکره بنا بر جامعیتی که از لحاظ شعرای عهد صفوی داشته، منبع و مأخذ بسیاری از تذکره‌های سده‌های اخیر بوده که برخی حتی اشاره‌ای بدین موضوع نکرده‌اند. اما آنچه از فحوای کتاب‌های تاریخ تذکره‌های فارسی جلد ۱ و ۲، تذکره نویسی

نصرآبادی از سال ۱۰۷۷ق (اما خود می‌گوید از ۱۰۸۳) چنانکه ذیل سرگذشت ملاً محمد شفیع عبارت «در این سال» را می‌آورد، شروع به گردآوری تذکره کرده است. هرچند نباید از نظر دور داشت که در ذیل سرگذشت مولانا رجبعلی به تاریخ ۱۰۷۰ و ذیل ملاً علیرضا تجلی به ۱۰۷۲ق اشاره می‌کند. بنابر آنچه آمد می‌توان گفت وی مواد این تذکره را از سال ۱۰۷۷ تا سال ۱۰۹۰ در دست داشته (بنگرید ذیل درویش جان بیگی که سال ۱۰۹۰ق به عنوان سال جاری ضبط شده) و ظاهراً همان سال آن را تدوین کرده است (تاییدیه نصرآبادی بر نسخه وزیری در سال ۱۰۹۱ است).

اما تذکره نویسان پس از تدوین نهایی تذکره خود تا زمانی که در قید حیات بوده یا توانایی نوشتن داشتند، اطلاعات جدید، از جمله شعرای از قلم افتاده و یا تاریخ در گذشتگان را به کتاب خود می‌افزودند. بر همین سان است در تذکره نصرآبادی نسخه دانشگاه تهران که تواریخ ۱۰۹۹ (ذیل ملاً میرزای شیروانی)، ۱۱۱۲ (ذیل میرزا محمد طاهر وحید) و ۱۱۱۵ (ذیل مسیحای معنی آمده است: «در سنه ۱۱۱۵ فوت شده، قصیده‌ای که در باب درد پا گفته، دلیلی روشن است بر اثبات دعوی فقیر و دیباچه‌ای بر مجموعه فقیر نوشته که کمال غرابت دارد»). برخی محققان از جمله روان شادان استاد جلال‌الدین همایی در تاریخ اصفهان (ج ۱: ۱۵۰) و محمد تقی دانش‌پژوه در صحت این تواریخ که از آن نصرآبادی باشد، تردید داشتند. استاد دانش‌پژوه در فهرست دانشگاه تهران می‌آورد: «اگر سالهای ۱۱۱۰، ۱۱۱۲ و ۱۱۱۵ الحاقی نباشد و دیگران نیفزوده باشند، چنانکه در نسخه ما گویا به خط دیگری است» (فهرست دانشگاه، ج ۱۱: ۲۳۳۱)

نکته دیگر آنکه نصرآبادی در تکمیل تذکره خود «تراجم شعرای ماوراءالنهر را در میان سالهای ۱۰۸۸ تا ۱۰۹۱ به قلم آورده است، چه که میرزا بدیع ملیحای سمرقندی مؤلف تذکره مذکور الاصحاب در سال ۱۰۸۸ هجری به اتفاق خواجه نیاز ایلچی در هیأت سفارت خانی بخارا از طرف عبدالعزیزخان به اصفهان آمد و در مدت اقامت خود که سه سال به طول انجامیده است، با میرزا طاهر در مسجد لبنان مکرراً صحبت داشته و تراجمی که از شعرای ماوراءالنهر در این تذکره است از ملیحای سمرقندی است که ترجمه اش در [تذکره نصرآبادی] مسطور به وی رسیده»<sup>۳</sup>

۳. یادداشت گلچین معانی بر نسخه خطی وزیری. نیز بنگرید تاریخ تذکره‌های فارسی ۲: ۲۴۱-۲۳۷.

۴. کاروان هند ۱: ۹۷۶.

۱۶. تذکره سخنوران یزد: اردشیر خاضع در ۱۳۴۰ ش

[رؤیت]

۱۷. تذکره شعرای یزد: عباس فتوحی یزدی در ۱۳۶۶ ش

[رؤیت]

و بسیاری از تذکره‌هایی که در این شصت سال اخیر تألیف و تدوین شده و بر همین سان است بسیاری از تذکره‌هایی که در این شصت ساله تصحیح و ویرایش شده و کوشندگان آن برای تکمیل سودمندی تذکره خود از اطلاعات تذکره نصرآبادی سود جسته‌اند.

### تذکره نصرآبادی از دید نقد ادبی

\* تذکره نصرآبادی از معدود تذکره‌هایی است که در زمینه شعر شاعران اظهار نظر کرده و خوب و بد آن را روشن می‌سازد، از این رو می‌توان آن را در ردیف کتابهای نقد ادبی کهن به شمار آورد. دکتر زرین کوب در این باره می‌نویسد:

«کلام نصرآبادی هم در بیان احوال شعرا از چاشنی انتقاد خالی نیست، اما البته صراحت و تهوری که در سخن سام میرزا شاهزاده صفوی هست، در گفته این شاعر منزوی وجود ندارد. نقد او در بعضی موارد مجامله آمیز و مقرون به احتیاط است. معذک غالباً منصفانه است. درباره حاج محمد جان قدسی که شاعری مشهور و منتقد به شمار می‌آمده است، می‌نویسد: «از طور سخن او کمال شاعری ظاهر است، اما در قصیده گاهی ابیات بی نسبت دارد» (ص ۲۲۵، چاپ وحید) و درباره زلالی خوانساری نیز که شهرت بسیار داشته، می‌نویسد: «در تازه گوئی و نمک کلام فرد است. در فن مثنوی طرز تازه‌ای به عرصه آورده که کسی تتبع آن نتواند کرد، رطب و یابس در کلامش بسیار است، اما ابیات بلندش از قبیل اعجاز است (ص ۲۳، چاپ وحید)»<sup>۵</sup>.

\* در زمینه شرح‌ها و تناسب آنها با شاعر و میزان ابیاتی که گواه می‌آید، یکدستی در تذکره دیده نمی‌شود؛ مثلاً ذیل بدیع الزمان، پسرش حدود صدوبیست و یک بیت از او نقل می‌کند که چندان اشعارش دلنشین نیست، اما درباره عبدالقادر بیدل دهلوی که صاحب سبک و شاعر ناموری است و دیوانی در حدود ده هزار بیت دارد، فقط دو بیت آورده است.

\* در صحت شاعر بودن برخی باید تردید کرد، چنانکه ذیل درویش جان بیگ تقریباً این چنین می‌گوید: با وجود اینکه هرگز متوجه شعر گفتن نبود، این بیت را در این روزها گفته؟! شاید به

فارسی در هند و پاکستان، کاروان هند جلد ۱ و ۲ و برخی منابع دیگر برمی‌آید، تذکره‌هایی که نامشان در زیر می‌آید، نواخوان بزم نصرآبادی بوده‌اند:

۱. سفینه خوشگو: بندر ابن داس در ۱۱۴۷-۱۱۳۷ ق  
[تذکره نویسی در هند، ص ۲۴۹؛ تاریخ تذکره‌ها، ج ۱، ص ۷۱۸]

۲. مجمع النفایس: سراج الدین علی خان آرزو در ۱۱۶۴ ق  
[تذکره نویسی در هند، ص ۳۳۷؛ تاریخ تذکره‌ها، ج ۲، ص ۱۵۸]

۳. ریاض الشعرا: علی قلی خان واله داغستانی در ۱۱۶۱ ق  
[تذکره نویسی، ص ۳۰۴؛ تاریخ تذکره‌ها، ج ۱، ص ۶۵۱]

۴. سرو آزاد: غلامعلی آزاد بلگرامی در ۱۱۶۶ ق  
[تذکره نویسی، ص ۳۸۴]

۵. خلاصه الکلام: علی ابراهیم خان بنارسی در ۱۱۹۸ ق  
[تذکره نویسی در هند، ص ۴۶۰؛ تاریخ تذکره‌ها، ج ۱، ص ۵۹۸]

۶. صحف ابراهیم: علی ابراهیم خلیل خان در ۱۲۰۵ ق  
[تذکره نویسی، ص ۴۷۳؛ تاریخ تذکره‌ها، ج ۱، ص ۷۶۲]

۷. مخزن الغرایب: احمد علی خان هاشمی سندیلوی در ۱۲۱۸ ق  
[تذکره نویسی، ص ۴۹۶؛ تاریخ تذکره‌ها، ج ۲، ص ۱۷۹]

۸. نگارستان سخن: سید نورالحسن خان در ۱۲۹۲ ق  
[تذکره نویسی، ص ۶۰۴]

۹. اختر تابان: ابوالقاسم محتشم شروانی در ۱۲۹۸ ق  
[تذکره نویسی، ص ۶۱۹]

۱۰. تذکره شعرای پارسی زبان کشمیر: خواجه عبدالحمید در ۱۳۳۴ ق  
[تذکره نویسی، ص ۶۸۱]

۱۱. بزرگان و سخنسرایان همدان: مهدی درخشان در ۱۳۴۱ ق  
[تاریخ تذکره‌ها، ج ۱، ص ۸۹]

۱۲. خزانه عامره: میر غلامعلی آزاد بلگرامی در ۱۱۷۶ ق  
[تاریخ تذکره‌ها، ج ۱، ص ۵۱۳]

۱۳. دانشمندان آذربایجان: محمد علی تربیت تبریزی در ۱۳۱۴ ش  
[تاریخ تذکره‌ها، ج ۱، ص ۶۲۰، ۶۲۲]

۱۴. چمن سرور: درّی شوشتری  
[تاریخ تذکره‌ها، ج ۱، ص ۷۱۶]

۱۵. منتخب الاشعار: ۹ [تاریخ تذکره‌ها، ج ۲، ص ۳۰۷]

۵. آشنایی با نقد ادبی: ۴۳۹-۴۴۰.

ذوقی و ادبی کافی نداشته است. می گوید: «میرهمام، حسب التقریر خودش نسب به سادات عظام دارالعباده یزد می رساند. مرد درویش فقیری است، تاجی به سر می گذارد و گاهی به قهوه خانه می آید و این رباعی که برابر یک دیوان شعر است از اوست و ماندن این معنی تا حال خیلی غرابت دارد:

این چار خلیفه را که می دانی نغز  
گویم سخنی با تو ز انصاف ملغز  
با دام خلافت از پی گردش دهر  
افکند سه پوست تا برون آمد مغز»<sup>۶</sup>

### اشتباهات نصرآبادی

آنچه بیش از همه چیز در تذکره وی نمود دارد که نمی توان به حساب سهل انگاری، تنبلی و عدم دقت نصرآبادی نوشت، اشتباهاتی است که در سرتاسر تذکره وی وجود دارد. این اشتباهات به چند دلیل پیدا شده است؛ نخست: دستگاه ضعیف اطلاع رسانی آن روزگار، دوم فاصله زیاد بین شهرها و کندی سرعت سیر میان آنها و سوم دشواری های مسافرت و ناامنی و غیره.

داوری نادرستی خواهد بود اگر محتویات تذکره را با معیارهای امروزی بسنجیم. حتی اگر تعداد شاعران و آگاهی های درون آن را با معیارهای صد سال پیش هم نسنجیم می بینیم که به رغم مشکلات آن روزگار، بسیار کار سترگی بوده و بیش از توان یک تن است. گویی صدها نفر در سرتاسر ایران و توران و هندوستان در کار گردآوری این تذکره بوده اند. آفرین بر عزم و همت نصرآبادی.

نمونه هایی از اشتباهات وی را استاد گلچین معانی در کتابهای تاریخ تذکره های فارسی (ج ۱ و ۲) کاروان هند (ج ۱ و ۲) تذکره میخانه و نامواره افشار (ج ۴) و استاد دکتر ذبیح الله صفا در تاریخ ادبیات (ج ۵) برمی شمارده اند که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می شود.

دکتر ذبیح الله صفا در تاریخ ادبیات خود در شرح: محوی همدانی (ج ۵، ص ۸۹۳) طالب آملی (ج ۵، ص ۱۱۵۰) فیاض لاهیجی (ج ۵، ص ۱۲۲۰) سرخوش کشمیری (ج ۵، ص ۱۳۷۳) این اشتباهات را روشن می سازد.

استاد احمد گلچین معانی در حواشی تذکره میخانه، ذیل: اسیری (ص ۳۱۷) محمد مؤمن عزتی (ص ۶۴۱) طالب آملی (ص ۸۲۴) شمرمی (ص ۸۹۳) در کاروان هند، ذیل: الهی

۶. آشنایی با نقد ادبی: ۴۴۰.

اصرار مؤلف تذکره! همچنین ذیل یوسف پس از شرحی مفصل و بی فایده، تنها یک بیت از او گسواهی است بر شاعری وی. همچنین است ذیل امیر بیگ قصاب.

### نثر نصرآبادی

نمونه هایی از مختصات نثر عصر صفوی در تذکره وی نه به شدت سایر آثار متشورش دیده می شود، همچون: بهره گیری از لغات ترکی و مغولی رایج، حذف فعل بدون قرینه، آوردن سجع در نثر، کاربرد برخی واژه ها در معانی تازه، مثل: قرق: ممنوع؛ انگیز: حرکت تحریک آمیز، تحریک کننده؛ درمی گرفت: اثر می کرد.

\* نصرآبادی در انتخاب اشعار، صاحب ذوق و سلیقه بوده (بنگرید ذیل حاجی امینی)؛ نیز علاقه ای فراوان به رباعی داشته، چنانچه از شاعری، رباعی خوبی دستگیر نمی شده، تک بیتهایی از غزل یا قصیده شاهد می آورده است و در این میان سعی کرده اصلاً سراغ مدایح نرود.

\* نکته جالب اینکه بیشتر شعرای تذکره همچون خود نصرآبادی تائب شده و پس از رفتن به مشهد مقدس یک سره فردی عابد و زاهد می گردند (بنگرید ذیل: میرزا رضی دانش، میرزا جانی عزتی، ملا سیری جرفادقانی).

\* نصرآبادی در برخی موارد تعصب و جانبداری را روا می دارد؛ مثلاً نسبت به شاعران ترک نظر خوبی ندارد و با طنز و کنایه از آنان نام می برد (بنگرید ذیل ملّا واقف) یا اینکه کسانی که در دستگاه حکومتی مقامی دارند یا با خود نصرآبادی دوستی و معاشرتی دارند بیشتر مورد احترامند و درباره آنان فعل جمع به کار می برد.

\* توصیفاتی که درباره هرکس به کار می برد، بسیار جالب است: آدمی روشن، آدم میانه، پاکیزه وضع، اهل، هموار، قابل، معقول، مربوط، صلاح، خوش طبیعت. و کمتر دچار تکرار شده و برای هر یک ترکیب خاصی آورده است، اگرچه گاهی هم تکرار شده است.

\* برخی شعرا از غیب می گویند، بنگرید ذیل: زلالی خوانساری، امیر بیگ قصاب و ...

دکتر زرین کوب درباره ساده دلی وی می نویسد: «از ستایش مبالغه آمیزی که در باب رباعی میرهمام کرده است و در ذیل نقل می شود، پیداست که مردی ساده دل و کم تجربه بوده و تربیت

هستی و وجود خویش در قلمرو وقایع جای داشته و در کتاب او اوضاع عمومی مردم آن روزگار و احوال شاعران هرم آسا و از پایه و قاعده یعنی طبقات فرودست جامعه مورد نقد و بررسی واقع گردیده است.

هنر میرزا طاهر در آن است که اصیل ترین عنصر اجتماع یعنی مردم ساده و برخوردار از قریحه شاعرانه را با همان زیرکی علری از زرق و برق و طبیعت سختکوش و برکنار از دغدغه را با زبانی ملایم و لحنی محتاط در معرض داوری خواننده کتاب خود می گذارد و درگیر و دار چاره اندیشی و پایداری و یا سرگشتگی و تسلیمشان در پیروزی های لغزنده و شکست های تلخ و آموزنده، حوادث زندگی قشری از مردم آن روزگاران را روشن و محسوس می گرداند.<sup>۷</sup>

۳. صاحبان بسیاری از اشعار را که در تذکره های آن عصر و سده های بعد سرت و دگرگونه شده، باز می نماید.

۴. وجود بسیاری ضرب المثل در این تذکره، همچون: در خانه به کدخدای ماند همه چیز (ص ۲۷، چاپ وحید) نعل وارونه زدن (ص ۲۴۵، چاپ وحید) و ...

۵. باز نمودن بسیاری از آداب و رسوم و اخلاقیات عصر صفوی، همچون: رسم پستان سیاه کردن برای شیر نخوردن بچه (ص ۲۳۸، وحید) رسم دادخواهی و خون بر صورت مالیدن (ص ۳۰۵، وحید) درخواست تخلص شعرای نوکار از شعرای پیشکسوت (ص ۴۳۸، ذیل ریعا).

۶. آوردن بسیاری از ترکیبات نو، زیبا و دلنشین همچون: انگیز: حرکت تحریک آمیز (ص ۲۳۲ وحید) تحریک کننده (ص ۲۳۸)؛ گوش خواباندن: مراقب بودن (ص ۲۲۸)؛ درگرفتن: اثر کردن (ص ۲۴۷)؛ آبله پا: پای تاول دار (ص ۲۸۷)؛ بادوستی: تلف کردن (ص ۸۹)؛ بازیگاه: محل بازی اطفال (ص ۱۰۸)؛ پرهیزانه: غذای مخصوص بیمار (ص ۱۸۵)؛ پنجه آفتاب: قرص خورشید (ص ۹۸)؛ پوچگو: هزه گو (ص ۲۱۸)؛ پول شکستن: تنزل بهای پول و قدرت خرید آن (ص ۴۲۱)؛ پیشینگاه: موقع پیشین (ص ۲۳۲)؛ چرب زبانی (ص ۲۴۵)؛ راست بازی: صداقت و درستی (ص ۴۶۱)؛ شکر خواب (ص ۳۶۵)؛ گل کردن (ص ۴۱۵)؛ چسبان: مطلوب و خوشایند (ص ۳۴۶)؛ روشنگر (ص ۳۴۵)؛ برای اطلاع بیشتر بنگرید: چند لغت و ترکیب و ... کمیاب در تذکره نصرآبادی، ایرج افشار، آرام نامه،

شیرازی (ج ۱، ص ۹۴) مخفی رشتی (ج ۱، ص ۱۶۷) تجلی گیلانی (ج ۱، ص ۲۰۸) حسنعلی یزدی (ج ۱، ص ۳۲۲) خالص اصفهانی (ج ۱، ص ۳۷۰) دانش مشهدی (ج ۱، ص ۳۹۷) حکیم ضیاءالدین (ج ۱، ص ۴۲۰) ذهنی کاشی (ج ۱، ص ۴۲۹) راقم مشهدی (ج ۱، ص ۴۳۲) روح الامین شهرستانی (ج ۱، ص ۴۷۵) سعیدای گیلانی (ج ۱، ص ۵۶۰) سلیم طهرانی (ج ۱، ص ۵۶۹)، صیدی تهرانی (ج ۱، ص ۶۲۲) صافی کازرونی (ج ۱، ص ۶۷۷) طغرا (ج ۱، ص ۸۲۲) علوی کاشانی (ج ۲، ص ۹۰۷)، فغفور لاهیجی (ج ۲، ص ۱۰۳۵) فکری اصفهانی (ج ۲، ص ۱۰۵۱) قبلان چاوشلو (ج ۲، ص ۱۰۸۹) طالب آملی (ج ۲، ص ۱۱۱۴) مالی شیرازی (ج ۲، ص ۱۲۱۰) میرمفر کاشانی (ج ۲، ص ۱۳۱۷) خلقی یزدی (ج ۲، ص ۱۳۷۹) کلیم کاشانی (ج ۲، ص ۱۴۳۲) نویدی (ج ۲، ص ۱۴۹۳) قاضی یحیی نوریخس لاهیجی (ج ۲، ص ۱۵۵۴).

در تاریخ تذکره های فارسی، ذیل: ابوحنیان طیب شیرازی (ج ۱: ۱۷۲) قدسی مشهدی (ج ۱، ص ۷۲۰)، در کتاب تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان: علیرضا نقوی، ذیل: سفینه خوشگو (ص ۲۴۷) دیگر اشتباهات نصرآبادی آمده است. با تأکید بر اینکه آنچه نویسندگان کتاب های نامبرده دریافته اند، بر خوردی بوده نه یک تحقیق حساب شده و سازمان یافته، بی گمان اگر روزی تعلیقات و توضیحات تذکره نصرآبادی به گونه جامع فراهم آید، موارد این اشتباهات به رقمی چندین برابر اکنون می رسد.

### امتیازات تذکره نصرآبادی

افزون بر آنچه در بخش های گوناگون این گفتار درباره فواید و برتری های تذکره نصرآبادی بر دیگر تذکره های مشابه عصری و عمومی بیان شد، در زیر به گونه سامان یافته و دسته بندی شده به اهم این امتیازات اشاره می شود:

۱. زنده نگه داشتن نام و نشان و اشعار نزدیک به هزار سخنور عصر صفوی.

۲. بازتاب اوضاع و احوال تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دوره صفوی از خلال شرح حال ها که برای تاریخنگاران و جامعه شناسانی که قصد تحقیق جامع و روشنگرانه را درباره این عصر دارند، بسیار سودمند و کاراست. در این باره آقای دکتر دامادی می نویسد:

«نصرآبادی ناظری آسوده و فارغ البال نیست که قضایا را تنها از بیرون نگریسته باشد. بلکه او خود بارگ و پوست و سراسر

۷. برخی از فواید ادبی و اجتماعی تذکره نصرآبادی: محمد دامادی: ۳۱۷-۳۱۸ (با تلخیص).

بنگرید ذیل زلالی خوانساری (رطب و یابس در کلامش بسیار است)؛ میرزا تقی (غزل اختراعی می گفت، چراکه وزن و قافیه غریب اختراعی می کرد)؛ عاقلا (در معنی سخن سنجی ترازوی انصاف در کف داشت)؛ میر برهان (خیلی تازگی در کلامش هست)؛ جلالای کاشی (شعرش نهایت همواری دارد)؛ میر حیدری (معانی نجیب دارد).

۱۴. بنا بر جامعیتی که دارد منبع و مأخذ بسیاری از تذکره های سال های پس از خود بوده. چونان که: ریاض الشعرا، صحف ابراهیم، سفینه خوشگو، خزانه عامره، نگارستان سخن، سرو آزاد و ده ها تذکره دیگر از مندرجات این تذکره بهره مند بوده اند.

۱۵. روشن کردن اوضاع و احوال اداری مردم صفویه (بنگرید ذیل میر شمس الدین محمد).

۱۶. چون نصرآبادی دارای ذوقی لطیف و طبعی ظریف بوده، ضمن آنکه خود بهترین ابیات را از دیوان شعرا گلچین می کرده، از معاصران و دوستان نیز می خواسته که نمونه ای از بهترین اشعارشان را برای مجموعه ای که در دست او بوده، بنویسند: «وقتی که فرصت داشتند، متوجه نظم می شوند و این ابیات را بر مجموعه فقیر نوشته اند» (ص ۱۱۷ و حید).

۱۷. دست یابی به اطلاعاتی در زمینه کتابداری، کتابشناسی و نسخه شناسی و علوم وابسته به آن و اصطلاحات این حرفه ها همچون: بین الدفتین، قطاعی، افشان، رحل آبوس، مسطر، جدول کشی، طومار گلریز، قالب، کاغذ ابری، کاغذ خطایی، کاغذ حلوا، صحاف، کتابت.<sup>۸</sup>

۱۸. از بهترین اسناد برای تدوین و نگارش تاریخ سیاسی، اجتماعی اصفهان عصر صفوی است. نویسنده چون باشنده این شهر بوده، اطلاعات خوبی از اوضاع و احوال آن روزگار مردم اصفهان، روابط مردم با دولت و حاکم، مشاغل، افراد، رجال، ناموران، عالمان دینی و غیر دینی آن شهر دارد.<sup>۹</sup>

۱۹. این تذکره غیر از اطلاعاتی که ذیل شرح حال ها می دهد، در بخش ماده تاریخ ها، به غیر از حقایق تاریخی، تاریخ بنیاد بسیاری از بناهای تاریخی اصفهان را اشاره می کند. که برای پژوهندگان تاریخ معماری ایران بویژه اصفهان بسیار سودمند است. همچون مدرسه جدّه، مدرسه خواجه محبت،

۷. کتاب فرهنگی جامع است از مشاغل عصر صفوی، همچون: میرآخورباشی، قورچی گری، میرآب، داروگری، ایشک آقاسی، قهوه چی باشی گری، یوزباشی گری، تحلویدار ایباغ خانه، میرجملگی، واقعه نویس، اوارجه نویس، مشرف باغات، ناظر بیوتات، مشرف اصطبل، وزیر، کلانتر و محصص، متولی، بزآز، محتسب، خیک دوز، تاجر، معرف، عطار، حکاک، تفنگچی، لندره دوز، خادم مسجد، جامه فروش، کتابدار، طبیب، زرکش، ساعت ساز، شعریاف و صدها شغل دیگر.

۸. این تذکره فرهنگنامه ای است از هنرمندان، همچون: خوشنویسان (عارف کاشانی، بهرام بیگ، خواجه کلان، شیخ عماد، شفیعاً) موسیقی دانان (مذاقی، شاه مراد باقیای نائینی، غیرت همدانی، سامعا، صبحی، میرصبحی، ملاطبعی، عرب شیرازی، میرصوتی) شاهنامه خوانان (نجاتی باقی، ملا بیخودی، صبحی) قصه خوانان (صبحی، آشوب همدانی، میرزا محمد فارس، حاتم بیگ، میر مظهر استرآبادی) آوازه خوانان (ملا واصب قندهاری، حافظ محمد حسین، برخوردار بیگ، عندلیب کاشانی، میر ظلی) نقاشان (حیدر ذهنی، سعید، محمدقلی بیگ، مصور، حکاک، سراجا) مذهبیان (محمد مذهب) معماران (آقا اسماعیل معمار، استاد علی اکبر معمارباشی، شاه باقر کاشانی) صحافان (محمد طاهر شیرازی، عارف کرمانی، ملک محمد، محمد طاهر شیرازی، محمد علی صحاف) نقشبندان (سعیدی ایزدی).

۹. تذکره ای است جامع از شعرای محلی ایران. انگار چندین نفر در گوشه و کنار این خاک زرخیز در کار گردآوردن شرح حال و نمونه اشعار سخنوران عصر صفوی بوده و آنها را سامان داده و یکجا در دسترس نصرآبادی گذاشته اند.

۱۰. با وجود مشکلات راه و دوری شهرها و فقر ارتباطات از جامعیت درخوری برخوردار است.

۱۱. نه تنها آینه تمام نمایی از شعرای ایران زمین، بل توران زمین و هندوستان و آسیای مرکزی و میانه و شبه قاره هند در عهد صفوی است. هر جا سخنوری به زبان پارسی درّی سفته، نشانش در تذکره جسته می شود، مگر به استثنا. اوج این تلاش ها ارتباط و گردآوری شرح شعرای فرارود (ماوراءالنهر) است (بنگرید: تاریخ تذکره ها، ج ۲، ص ۲۳۸-۲۴۱).

۱۲. پدیدار شدن برخی اطلاعات اجتماعی از جمله اینکه: قهوه خانه ها محل گرد آمدن بسیاری از شعرا بوده است.

۱۳. از کتاب های خوب نقد ادبی عصر صفوی است؛

۸. در این باره بنگرید مقاله اطلاعات کتابداری و نسخه شناسی در تذکره نصرآبادی، ایرج افشار.

۹. در این باره بنگرید به مقاله اصفهان قرن یازدهم از نگاه تذکره نصرآبادی، رسول جعفریان، آینه پژوهش، شماره ۴۴، ص ۵۵.

مدرسه نقاشان، مدرسه شیخ لطف الله، مسجد جامع عباسی، مسجد شیخ لطف الله، امامزاده سهل بن علی، امامزاده قیس علی، مزار بابا رکن الدین و ...

شاهکار این ماده تاریخ ها، رباعیات ششگانه محتشم کاشانی است که از آن ۱۱۲۸ تاریخ استخراج می شود (وحد ۴۷۳) بنگرید ذیل: میر حیدر معمای، نظام معمایی و ملا شهاب معمایی.

۲۰. با توجه به اینکه آگاهی های خوبی درباره مدارس علمیه، حوزه های درسی، مکتب ها، کتابفروشی های و دیگر مراکز فرهنگی شهر اصفهان به دست می دهد. در زمینه تحریر تاریخ فرهنگ اصفهان نیز می تواند کتابی کارآمد باشد.

۲۱. اوصاف درخوری از روستاها و محلات اصفهان همچون: عباس آباد، شمس آباد، نصرآباد، نجف آباد دارد.

۲۲. بهترین اطلاعات را درباره مکان های اجتماعی بویژه قهوه خانه و نقش آن در عصر صفوی می دهد. از جمله اینکه محفلی برای حضور ادبا و شعرا، درویشان و احیاناً قصه خوانان و شاهنامه خوانان بوده و نامی از قهوه خانه عرب (وحید ۲۳۹) قهوه خانه جنب دارالشفا قیصریه اصفهان (وحید ۳۲۶) قهوه خانه درویش دلاک به میان می آید (ص ۱۴۰).

۲۳. لطایف و حکایاتی چند در این کتاب دیده می شود که آن را از یکنواختی بیرون آورده؛ از جمله ذیل میر شرب (ص ۳۱۰) یوسفا خوانساری (ص ۳۲۱) بابا حسینی قزوینی (ص ۱۴۰) یوسف جربادقانی.<sup>۱۰</sup>

۲۴. از مآخذ درجه اول در مطالعه سبک هندی است.

**کتابنامه ها**

**الف کتاب.**

- خاضع، اردشیر، تذکره سخنوران یزد، حیدرآباد دکن: کتابفروشی خاضع، ۱۳۴۱، ج ۲.

- دانش پژوه، محمدتقی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران: کتابخانه ...، ۱۳۴۰، ج ۱۱.

- زرین کوب، عبدالحسین، آشنایی با نقد ادبی، تهران: سخن، چاپ دوم، ۱۳۷۲.

- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، تهران: فردوس، ۱۳۶۸-۱۳۷۰، ج ۵ در ۳ بخش.

- فتوحی یزدی، عباس، تذکره شعرای یزد، تهران: بی نا، چاپ دوم، ۱۳۷۳.

- فخرالزمانی، عبدالنبی، تذکره میخانه، به کوشش احمد گلچین معانی، تهران: سنایی، چاپ پنجم، ۱۳۶۷.

- گلچین معانی، احمد، تاریخ تذکره های فارسی، تهران: سنایی، چاپ دوم، ۱۳۶۳، ج ۲.

- کاروان هند، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹، ج ۲.

- نصرآبادی، محمد طاهر، تذکره نصرآبادی، نسخه خطی کتابخانه وزیری یزد، ش ۲۶۰۲، در ۱۰۹۱ ق.

- تذکره نصرآبادی، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۳۳۴۲، در سده یازدهم.

- تذکره نصرآبادی، نسخه خطی کتابخانه ملی ملک تهران، ش ۳۷۹۳، در قرن دوازدهم.

- تذکره نصرآبادی، نسخه خطی کتابخانه ایندیا آفیس، بی تا.

- تذکره نصرآبادی، به کوشش حسن وحید دستگردی، تهران: فروغی، چاپ سوم، ۱۳۶۱. نقوی، علیرضا، تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان، تهران: علمی، ۱۳۴۷.

**ب: نشریه ها**

- افشار، ایرج: «اطلاعات کتابداری و نسخه شناسی در تذکره نصرآبادی» جشن نامه استاد مدرس رضوی، به کوشش ضیاءالدین سجادی، تهران: انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۵۶، ص ۳۳-۴۳.

- افشار، ایرج: «چند لغت و ترکیب و تعبیر و اصطلاح کمیاب در تذکره نصرآبادی»، آرام نامه به کوشش مهدی محقق، تهران: انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۶۲، ص ۲۴۳-۲۵۴.

- جعفریان، رسول: «اصفهان قرن یازدهم از نگاه تذکره نصرآبادی» آینه پژوهش، شماره ۴۴، ص ۵۵-۶۲.

- دامادی، محمد: «برخی از فواید ادبی و اجتماعی تذکره نصرآبادی»، هشتمین کنگره تحقیقات ایرانی: محمد روشن، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۸، ج ۲، ص ۳۱۷-۳۴۳.

- گلچین معانی، احمد: «نظری به تذکره نصرآبادی» نامواره دکتر محمود افشار، به کوشش ایرج افشار، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۶۷، ج ۴، ۱۹۵۸-۱۹۷۳.

- نصراللهی، غلامرضا: «زندگینامه و آثار میرزا محمد طاهر نصرآبادی» اولیای اصفهان، س ۴۸، ش ۲۲۰۴ (۱/۲۸/۷۶)، ص ۶.

- وحید دستگردی، حسن: «میرزا محمد طاهر نصرآبادی» ارمغان، س ۱۹، ش ۴ (مهر ۱۳۱۷)، ص ۲۱۷-۲۲۳.

۱۰. ر. ک. مأخذ پیشین.